

# گفت‌وگوی انور خوجه

با هیئت نمایندگان گاردهای سرخ

ترجمه: زنجیره





دَر گنْدُمزار زَنجِرِه می خوانند...

**ENVER HOXHA**



*Enver Hoxha.*

تاریخ گفت‌وگو: ۸ ژوئای ۱۹۶۷. هیئت چینی گارد سرخ، که در پنجمین کنگره اتحادیه جوانان کارگر آلبانی شرکت کرده بود، توسط یائو ون‌یونان، عضو گروه انقلاب فرهنگی مرکزی و یکی از فعالان اصلی رادیکال در شانگهای رهبری می‌شد. سایر اعضای هیئت چینی شامل تان‌هولان، جزو گاردهای سرخ دانشگاه پکن، و نمایندگان از کمیته‌های انقلابی کارخانه‌ها، مدارس و واحدهای ارتش در پکن و شانگهای می‌شد. طرف آلبانیایی، هیسنی کاپو، عضو دفتر سیاسی، بهار شتیلا، عضو کمیته مرکزی، و پیرو بیتا، رئیس بخش خارجی کمیته مرکزی و خود رفیق انور خوجه بودند.

انورخوجه: حالتان چطور است؟ خسته‌اید؟

یائو ون یوئان: ممنون. همه‌مان خوبیم و هنوز خسته نشده‌ایم.

انورخوجه: گاردهای سرخ هرگز خسته نمی‌شوند. آن‌ها دائماً مشغول انقلاب‌کردن هستند و انقلابیون هیچ‌گاه خسته نمی‌شوند.

یائو ون یوئان: بسیار تحت تأثیر استقبال و روحیه انقلابی جوانان و مردم آلبانی قرار گرفتیم و این باعث می‌شود که مردم و جوانان چین هم از آن‌ها بیاموزند. به همین خاطر است که ما هیچ‌وقت احساس خستگی نمی‌کنیم.

انورخوجه: در این چند روز، باید عشق مردم و جوانان آلبانیایی به خودتان را دیده باشید.

یائو ون یوئان: مردم آلبانی مردمی بزرگ و جوانان آن، جوانانی قهرمان هستند.

انورخوجه: در این چند روز از چه جاهایی دیدن کرده‌اید؟

یائو وِن یوئان: به خیلی از جاهای آلبانی سر زدیم. دراج، اشکودر، ولوره، فیر. در برات، کارخانه نساجی «ماتوتسه‌دون» را دیدیم.

انور خوجه: در این مکان‌ها با جوانان ملاقات کردید؟

یائو وِن یوئان: هر جا که می‌رفتیم، جوانان آلبانیایی به ما توجه می‌کردند. جوانانی را دیدم که مشغول ساخت راه‌آهن فیر-روگوژین بودند. داشتند تخته‌هایی روی کوه و جاهای دیگر کار می‌گذاشتند. جوانان با اشتیاقی فراوان در سراسر کشور مشغول ساخت و سازند.

انور خوجه: بازدید شما از آلبانی، کمک بزرگی به کشور ماست. جوانان و مردم ما، این اتفاق را فراموش نخواهند کرد؛ چرا که شما با خود، روحیه خالص انقلابی‌گری جوانان قهرمان چین را آوردید؛ به‌علاوه عشق بی‌ریای مردم چین، حزب کمونیست چین، و رفیق مائو را. این خدمت، تشویق بزرگی برای ماست. مدت زمانی که در آلبانی بودید، احتمالاً عشق فوق‌العاده جلا یافته جوانان، مردم و حزب‌مان، به جوانان، مردم، حزب کمونیست چین و رفیق مائوی عزیزمان را به چشم دیده‌اید. هر چه ارتباط بین جوانان‌مان، مردم‌مان و کمونیست‌ها، با گاردهای سرخ، مردم چین و کمونیست‌های چینی بیشتر شود، دوستی بزرگ و صمیمانه ما صمیمانه‌تر خواهد شد.

با فروتنی می‌توان اظهار کرد که کشورمان جوانانی سربلند، قهرمان، انقلابی، نترس، پرتلاش، و تحصیل‌کرده در خود دارد که با الهام از حزب و با رعایت اصول مارکسیستی‌لنینیستی و انترناسیونالیسم پرولتری، از انجام هر کار و تلاش دست نمی‌کشد. جوانان ما در اتحادی پولادین با حزب کمونیست آلبانی درآمیخته‌اند و بی‌باکانه هر خطری را به جان می‌خرند؛ حتی اگر پای جنگ در میان باشد. این مسئله جزو بزرگترین پیروزی‌های ماست و به لطف توجه زیادی که حزب ما به آموزش و پرورش نسل جدید نشان داده است، به‌دست آمده.

شما با چشمان خودتان دیده‌اید که جوانان ما شانه به شانه حزب آلبانی می‌رزمند. این مسئله، بازتاب ارتباط سالم حزب و مردم است. همان‌گونه که کلاسیک‌های مارکسیست‌لنینیست به ما آموختند؛ همان‌گونه که در کتاب سرخ مائو در این مورد نقل شده است. مشارکت، بالاتر از هر چیزی است و همچنین وجود یک حزب مارکسیست‌لنینیست حقیقی؛ چرا که بدون حزب، پیروزی‌ای در کار نخواهد بود؛ آن‌هم به رهبری طبقه کارگر و دهقانان زحمت‌کش. در میان مردم، ضرب‌المثلی باب است که چنین می‌گوید: حزب، قلب و مغز مردم است. بدون قلب، مغز نمی‌تواند زنده بماند، در حالی که بدون مغز [استعاره از فکر نکردن -م]، فرد دائماً در تاریکی و سردرگمی است. قلب پولادین و مغز پاک، حزب را نمایندگی می‌کند. بنابراین، حزب در مرکز است؛ چیزی که مائوتسه دون در کتاب‌های خود درباره‌اش نوشته است و مارکس، انگلس، لنین و استالین نیز پیوسته بر آن تأکید کرده‌اند.

از همین رو مردم و جوانان ما، همان‌طور که شما نیز دیدید، حزب را بیش از هر چیز دیگری دوست دارند. بدون حزب، امروز آلبانی آزاد، مستقل و با اقتداری وجود نداشت. آلبانی بار دیگر مستعمره‌ای می‌شد که خارجی‌ها و بورژواها عنان حکمرانی‌اش را به‌دست می‌گرفتند و مرتجعین بر آن حکم می‌راندند. این حزب بود که با خط روشن، صحیح و انقلابی خود، مردم را به قیام علیه اشغالگران فاشیست و خائنان برانگیخت و کشور را به سوی سوسیالیسم سوق داد.

دشمنان ما -بورژواهای مرتجع، امپریالیست‌ها و رویونیست‌های مدرن- به‌روشنی می‌دانند که اگر احزاب مارکسیست‌لنینیست را تضعیف و نابود کنند، به‌آسانی به‌هدفشان می‌رسند. از همین رو، هدف اصلی آن‌ها در حال حاضر، تضعیف، تجزیه و نابودی احزاب مارکسیست‌لنینیست است. اگر آن‌ها موفق به تضعیف، تجزیه و نابودی احزاب مارکسیست‌لنینیست شوند، برای واژگونی اصول مارکسیستی‌لنینیستی، اساسنامه حزب، تفکر حزب، و جنگ طبقاتی انقلابی حزب، به هدف خود، یعنی آشفته‌کردن ما دست یافته‌اند. به

همین دلیل است که ما پیش از هر چیز، تلاش خواهیم کرد، حزب خود را پاک، انقلابی و در نقش رهبری‌کننده کشورمان نگه داریم.

بسیاری از دشمنان، علیه حزب ما دست به کار شده‌اند و همیشه تیرهای خود را به حساس‌ترین نقاط پرتاپ کرده‌اند، تا حزب ما را از اصول مارکسیست‌لنینیستی انقلابی دور کنند. ما اما هرگز اجازه نخواهیم داد که آن‌ها به اهداف خود برسند؛ چه این دشمن داخلی باشد چه خارجی. ما همیشه آن‌ها را به جلو رانده‌ایم، آن‌ها را مجبور کرده‌ایم که کلنگ بردارند و بروند در جایی که برای کار به آن‌ها نیاز است، کار و تلاش کنند. ما آن‌ها را مجبور کرده‌ایم که پوسیدگی‌شان را آشکار کنند و سپس بی‌رحمانه با آن پوسیدگی‌ها مبارزه کرده‌ایم. از آن جهت چنین کرده‌ایم، که برای حفظ منافع مردم، منافع سوسیالیسم، کمونیسم، و منافع انقلاب ضروری است.

اگر دو یا سه یا چهار یا پنج خائن در حزب افشا شوند، پذیرفتنی نیست که آن‌ها را مجازات نکنیم و اجازه دهیم کرم، سیبِ سالم را آتقدر آلوده کند که کاملاً گندیده شود. بنابراین، این جنگ بی‌وقفه، اصولی و انقلابی، که حزب ما علیه دشمنان به‌راه انداخته است، تضمین می‌کند که حزب، بیش از هر چیز میان مردم و به‌ویژه جوانان محبوب باقی خواهد ماند.

در کشور ما، این جوانان بودند پایه و اساس حزب را بنیان نهادند. وقتی از جوانان صحبت می‌کنیم، منظورمان فقط دانشجویان نیستند، بلکه منظور، جوانان کارگر و دهقان نیز هست. مائوتسه دون تاکید کرده است که اتحاد طبقه کارگر با دهقانان، نقش عمده‌ای در هدایت انقلاب ایفا می‌کند و از طریق تحلیل شرایط روستای چینی، به این نتیجه رسید که جوانان کارگر و دهقان به‌همراه دانشجویان، نقش مهمی در تمام جنگ انقلابی مردم چین ایفا کرده‌اند.

با اعمال این اصول مهم، شاهد این هستیم که وحدت درون حزب، علاوه بر اتحاد مردم و جوانان با آن، همچون فولاد استوار است. اکنون مسئله این است که چنین وحدتی، حفظ و تقویت شود؛ باید مراقب باشیم که این وحدت را دشمنان تضعیف نکنند؛ زیرا به قول معروف



«حتی اگر رود آرام بگیرد، دشمن آرام نخواهد گرفت. بنابراین مردم و حزب هرگز نباید چشمان خود را ببندند».

داشتن سازماندهی و انضباط آهنین، برای ما اهمیت زیادی به همراه داشته است. مرتجعین می‌گفتند آلبانیایی‌ها سازماندهی ندارند و هرگز نمی‌توانند گرد هم آیند. از همین رو فکر می‌کردند که در انقلاب، دستیابی به وحدت، ایدئولوژی و انضباطی قوی برای ما ممکن نیست. با به کارگیری اصول مارکسیسم‌لنینیسم بود که این موارد برایمان محقق شد. حزب ما همیشه مسائل تشکیلات و انضباط را در دستور کار قرار داده و می‌دهد؛ زیرا در جایی که نظم و انضباط نباشد، هرج و مرج ورود می‌کند و دشمنان راحت‌تر می‌توانند نفوذ کنند. تجربه‌ای که ما در زمان جنگ و از طریق کار جمع‌آوری کرده‌ایم نشان داده است جایی که فاسد است و ضعف ایدئولوژیک و سیاسی در آن موج می‌زند، سریعاً در آن سر و کله با تالاق و پشه پیدا می‌شود برعکس، جایی که سازماندهی و انضباط آهنین وجود دارد، پشه‌ها می‌میرند و با تالاق‌ها به زمین‌های حاصلخیز تبدیل می‌شوند. این را تجربه حزب ما و انقلاب پرولتری نشان می‌دهد که بی‌وقفه ادامه دارد.

جوانان ما، همان‌طور که خودتان ملاحظه کردید، با مبارزه مستمر و کار کردن تحت هدایت حزب (اما با حفظ ویژگی‌های منحصر به فرد جوانی در تشکیلات‌شان، بدون خشونت تشکل‌های کارگری حزب) توانسته‌اند ویژگی‌های انقلابی مبارزات را در دفاع مستمر از اصل مارکسیسم‌لنینیسم حزب بیرون بکشند. بنابراین، کمیته مرکزی حزب ما همواره اهتمام ویژه‌ای به آموزش انقلابی جوانان نشان داده و دارد.

مارکس، انگلس، لنین، استالین و مائوتسه دون به ما آموخته‌اند که انقلاب کردن، کاری بسیار جدی‌ست. حزب ما سعی کرده این درس مارکسیسم‌لنینیسم را تجسم بخشد و به کسی اجازه ماهیگیری در آب‌های آشفته را ندهد. حزب ما هرگز اجازه نداده که آب انقلاب گل آلود شود. سریعاً و شدیداً به تمام عناصری که سعی در انجام این کار داشته‌اند، حمله‌ور شده است؛ اگر

ما اجازه می‌دادیم آب انقلاب گل آلود شود، به‌ویژه در شرایط خاصی که در داخل حزب ما ایجاد شده، با خطراتی جدی مواجه می‌شدیم. حزب مدت‌ها پیش به سر آن‌ها ضربه‌ای زده و خردشان کرده است. وقتی اوضاع نابسامان است، عناصر دشمن و خائنان و رویزیونیست‌ها سعی در سازماندهی خود دارند. تجربه ما نشان می‌دهد که هر چه بیشتر با آن‌ها مذاکره و گفت‌وگو شود، شکل‌های سازمانی خاصی را که مانع پیشرفت انقلاب می‌شود، بیشتر به کار می‌گیرند. هر چه اجازه دهیم این وضعیت ادامه پیدا کند، بر دشواری‌های انقلاب افزوده می‌شود.

یائو وِن یوئان: چرا چنین چیزی رخ دهد؟ این‌ها تجلی تضادهای آنتاگونیستی و جنبه‌هایی از توسعه جنگ طبقاتی است. ما می‌دانیم که جنگ طبقاتی، جنگ انقلابی مارکسیست‌لنینیستی است و بنابراین جنگ ما علیه همه دشمنان، به هر شکل و رنگی که ظاهر شوند، باید بی‌رحمانه باشد. هیچ پاداشی برای به دشمنان طبقاتی وجود ندارد. در این مبارزه، ممکن است اقداماتی تاکتیکی انجام شود؛ اما این اقدامات تاکتیکی، در خدمت هدف انحلال هر چه سریع‌تر گروه دشمنی است که برای نابودی حزب تلاش می‌کند. هر چه زودتر چنین گروهی حذف شود، برای انقلاب بهتر است. به همین دلیل است که در انقلاب کبیر فرهنگی پرولتری، از چنین ابزارها و اشکالی استفاده می‌کنیم: بسیج سیاسی و ایدئولوژیک توده‌ها؛ سازماندهی انضباطی آهنین؛ به‌کارگیری انتقاد و دازیائو به‌شکلی سازماندهی‌شده، طبق آموزه‌های مائوتسه دون، به‌نحوی که دشمنان [خلق] در اسرع وقت محو و نابود شوند.

انور خوجه: شما به‌وضوح دیدید که دشمنان چگونه توانستند کارخانه‌های شانگهای را تصرف کنند، کمیته ریشه‌دار حزب شانگهای چگونه رفتار کرد، چگونه اقتصادگرایی (اکنونیسم) در آن جا سر برآورد و چگونه پس از آن، شما بسیج شدید، قیام کردید و تمامی عناصر ضدانقلاب را حمله‌ور شدید تا دیگر هرگز قیام نکنند.

یائو ون یوئان: اگر چنین کنید، از حزبی دفاع کرده‌اید که مائوتسه دون آن را فراتر از هر چیزی قرار داده. کسانی که از اندیشهٔ مائوتسه دون حمایت می‌کنند (و همهٔ جوانان کارگر و دهقان از آن حمایت می‌کنند) به خوبی آگاهند که حزب، قلب و روح آن‌هاست. درست است که دشمنانی درون حزب شما لانه کرده‌اند، اما باید اطمینان داشت که هرگز نمی‌توانند حزب را منحل کنند، زیرا کمونیست‌ها پشت مائوتسه دون و اندیشهٔ او هستند.

انور خوجه: شما کمیته‌های انقلابی را تأسیس کرده‌اید - این بسیار مهم است. اگر اشتباه نکنم، وظیفهٔ این کمیته‌ها رهبری انقلاب، از بین بردن رویزیونیست‌ها به رهبری لیو شائوچی و دنگ شیائوپینگ و سازماندهی هسته‌های حزب است. میلیون‌ها کمونیست مهم و آماده به رزم در چین وجود دارد. برخی عناصر مخرب نیز احتمال دارد به این صفوف بپیوندند؛ اما جنگ و انقلاب، آن‌ها را به جلو می‌آورد و چهرهٔ واقعی‌شان را آشکار می‌کند.

یائو ون یوئان: انقلاب کبیر فرهنگی پرولتری به رهبری رفیق مائوتسه دون، چیزهای بسیاری به ما می‌آموزد. شما با ۱۶ بند تصمیم پلنوم کمیتهٔ مرکزی حزب کمونیست چین از آگوست ۱۹۶۶ کاملاً آشنا هستید. به‌ویژه با آن بخشی که به طبقه‌بندی کادرها می‌پردازد. این موضوع از اهمیت بالایی برخوردار است. این درس‌های مارکسیستی‌لنینیستی تفکر مائوتسه دون، رهنمودی برای عمل در توسعهٔ بیشتر انقلاب فرهنگی پرولتری است.

انور خوجه: حزب ما کوچک است و تجربهٔ آن نیز به همان اندازه. در جریان تاریخ آن، کمیته‌های حزبی وجود داشته است که برای مدت کوتاهی از هوشیاری انقلابی برخوردار نبودند و در نتیجه عناصر مخرب توانستند در برخی از سازمان‌های حزب نفوذ کنند. در آن شرایط، حزب ما به برخی اصول کلیدی پایبند بود. هدف اصلی این بود که سازمان‌های حزبی را از عناصر دشمن پاک کنیم؛ اما آن‌ها را از بین نبریم. حزب ما تأکید کرد که پاکسازی باید به‌ویژه از رهبران آغاز شود. ضرب المثلی داریم که می‌گوید: «ماهی از قسمت سر می‌پوسد». بنابراین، رهبران کسانی هستند که بوروکراتیزه می‌شوند، نه کارگران یا دهقانان. از این رو، حزب

بلافاصله کسانی را که بوروکراتیزه، و از مسیر منحرف شده بودند، از صفوف خود بیرون راند و هر زمان که لازم بود، در واقع حتی کل کمیته حزب را منحل کرد. سپس حزب این مشکل را در تشکیلات خود مطرح کرد و با تمایز گذاشتن میان عناصر بد و خوب و با بالا بردن آگاهی سیاسی و ایدئولوژیک کمونیست‌ها، اوضاع را نجات داد. هم‌زمان با بیرون راندن آن‌هایی که اصول را رعایت نمی‌کردند، کمیته جدیدی را انتخاب می‌کرد. این چنین بود که بهترین و انقلابی‌ترین افراد در رأس کمیته قرار گرفتند و سپس انتخابات برگزار شد، زیرا شرایط، چیزی جز این را ایجاب نمی‌کرد. به این ترتیب، ما به سرعت وضعیت را بهبود بخشیدیم. این اتفاق برای ما در کمیته حزب لوشنه رخ داد، جایی که شما مزارع زیبا و حاصلخیزش را دیدید، علاوه بر جیروکاستر و شودر.

**یائو وِن یوئان:** ما مارکسیست‌لنینیست برجسته، رفیق مائوتسه دون را بسیار تحسین می‌کنیم. بخت بزرگی ست که مائوتسه دون زنده است و در سلامت کامل. امیدواریم طول عمر او طولانی‌تر شود تا بتواند انقلاب کبیر فرهنگی پرولتری و حزب شکوهمند کمونیست چین، مردم بزرگ، قهرمان، پرتلاش، باهوش و چابک چین را در انقلابی عظیم رهبری کند.

**انور خوجه:** رفقای گارد سرخ، شما برای دفاع از حزب کمونیست، صدر مائوتسه دون و چین سوسیالیست، به پا خاسته‌اید. تمام مردم جهان می‌دانند که دشمن اصلی امپریالیسم و رویزیونیسم، چین سوسیالیست و کبیر مائوتسه دون است و از این رو دشمنان، شیطنی‌ترین نقشه‌ها را برای شکست خلق چین تدوین می‌کنند. آن‌ها خیال می‌کنند با این کار می‌توانند راحت‌تر به اهداف خود برای سرکوب مردم دست یابند. اگر چنین می‌شد، آن‌گاه انقلاب، قرن‌ها به عقب پرتاب می‌شد. حزب کار آلبانی و مردم آلبانی و همچنین تمام احزاب مارکسیست‌لنینیست و انقلابیون جهان، از چین توده‌ای، حزب کمونیست چین و رفیق مائوتسه دون حمایت می‌کنند و قویاً پشت آن می‌ایستند.

یائو ون یوئان: امپریالیست‌ها و خائنان رویزیونیست شوروی خیال می‌کنند که چین از روی ضعف است که انقلاب کبیر فرهنگی پرولتری را با چنین خشم و بر اساس خطی درست و در حال ترقی به‌راه انداخته. آن‌ها خیال می‌کنند که اعتبار و جایگاه بین‌المللی خود را از دست داده است. تمام این‌ها شعارهای دشمنان و خائنان مارکسیسم‌لنینیسم است؛ زیرا آن‌ها هستند که به‌ورطه ویرانی فرو می‌روند و نه چین یا آلبانی یا سایر مردمی که به سوی انقلاب در حرکتند. چین سوسیالیستی دارای موقعیت بین‌المللی، ایدئولوژیک، اقتصادی و نظامی، دشمنانش را می‌ترساند و حق هم دارند که از آن بترسند؛ زیرا در نهایت، کسانی که این شعارها را سر می‌دهند، به‌خوبی می‌دانند آن‌دم که انقلاب در حال دمیدن است و اوضاع خوب، هر جایی که اندیشه‌های مارکسیستی‌لنینیستی حاکم باشد، فعالیت دشمن ریشه نخواهد کرد. انقلاب، دشمنان را در هم خواهد کوبید؛ همان‌گونه که انقلاب فرهنگی پرولتری چین، گروه خائنان مارکسیسم‌لنینیسم را در هم کوبیده است. امپریالیست‌ها و رویزیونیست‌ها به عناصر رویزیونیستی‌ای دل بسته بودند که در حزب و دولت، در گروه لیو شائوچی، مناصبی داشتند؛ اما اکنون او سرنگون و کاملاً خلع سلاح شده است.

انور خوجه: ما می‌بینیم که توسعه اقتصاد سوسیالیستی در چین، با سرعت زیادی در حال ترقی است. صنعت چین پیشرفت عظیمی داشته است. این بدان معناست که اندیشه مانوتسه دون و انقلاب کبیر فرهنگی پرولتری، پیشرفت صنعت و فناوری را کند نکرده، بلکه برعکس، آن‌ها را با سرعت بیشتری به پیش برده است. در حالی که در اتحاد جماهیر شوروی، جایی که رویزیونیست‌ها لانه کرده‌اند، کوچک‌ترین محصولات صنعتی از جهان سرمایه‌داری وارد می‌شود. همان‌ها در چین در داخل کشور و با سرعت روز به روز فزاینده‌ای تولید می‌شوند.

یائو ون یوئان: در مورد کشاورزی هم همین‌طور. در حالی که رویزیونیست‌های شوروی نان را از کانادا وارد می‌کنند، کشاورزی در چین پیشرفت مستمر دارد و بازارها به‌طور کامل در انبار خود محصولات را ذخیره می‌کنند.

**انور خوجه:** سال گذشته، کشورهای رویزیونیست اروپایی گرسنه گوشت بودند، بنابراین مدام به ما مراجعه می کردند و از زمان درخواستش می کردند. نوع خاصی از ماهی است که فقط ما صید می کنیم. مردم ما آن را نمی خورند، اما با این پیش بینی که بلغارها از ما آن را درخواست خواهند کرد، مقدار ماهیگیری را افزایش و بهبود دادیم. چندی بعد بلغارها آمدند و این ماهی ها را از ما خواستند. وضعیت در همه کشورهای رویزیونیست همین است.

**یائو ون یوئان:** در چین نیز موفقیت های مهمی در حوزه نظامی به دست آمده است. شما نیز موفق به ایجاد دفاعی قدرتمند شده اید. بر اساس آموزه های مائوتسه دون، رفیق نزدیکش، لین یائو، توانسته رهبری و ایجاد ارتشی بی آرایش، قوی و متحد را بر عهده گیرد که امپریالیست ها و رویزیونیست های شوروی را به وحشت انداخته.

**انور خوجه:** ارتش، نقشی تعیین کننده در دفاع و تحکیم پیروزی های انقلاب دارد؛ زیرا سلاح اصلی دیکتاتوری پرولتاریا است. دقیقاً به همین دلیل مائوتسه دون توجه ویژه ای به این سلاح دیکتاتوری پرولتاریا داشته است. ارتش آزادی بخش خلق چین، بر اساس ایده های مارکسیسم لنینیسم آموزش های سیاسی، ایدئولوژیک و نظامی دریافت کرده است. حالا هم که مجهز به مدرن ترین سلاح ها از جمله موشک و بمب های اتمی و هیدروژنی است.

**یائو ون یوئان:** تمام این ها نشان می دهد که چین توده ای، با هدایت اندیشه های مارکسیستی لنینیستی مائوتسه دون، در انقلاب سوسیالیستی به موفقیت هایی دست یافته و خواهد یافت. این نه تنها برای چین، بلکه برای همه مردم جهان مهم است.

**انور خوجه:** قدرت سیاسی، اقتصادی و نظامی جمهوری خلق چین در همه جا حس می شود. چین توده ای به جنگ قهرمانانه مردم ویتنام کمک، و قویاً از آن حمایت می کند. چین، پشتیبان امن جنگ در ویتنام است. کمک چین برای مردم ویتنام نجات بخش است. مردم ویتنامی مثل سایر کشورهای جهان این را می دانند. اما مهم تر از همه، درستی خط سیاسی و نظامی اندیشه مائوتسه دون است که مبارزات مارکسیست لنینیست های واقعی را در ویتنام زنده

می‌کند، در حالی که رویزیونیست‌ها، اگرچه تلاش می‌کنند، نمی‌توانند شعله‌های آتش جنگ را خاموش کنند.

**یائو وِن یوئان:** اکنون جنگ شروع به گسترش یافتن تا هند کرده است. مارکسیست‌لنینیست‌های کمونیست که این جنگ را رهبری کردند در چندین حوزه به‌قدرت رسیده‌اند. در برمه، پارتیزان‌ها در ۳۰ کیلومتری منطقهٔ نوین می‌جنگند. نیروهای انقلابی در تایلند در حال رزم‌اند. در اندونزی هم همینطور. حزب کمونیست اندونزی مرتکب اشتباهاتی شد و شکست بزرگی را متحمل شد، اما بر این مشکلات فائق خواهد آمد. در آمریکای لاتین می‌توان دید که جنگ انقلابی هر روز در حال افزایش است. گروه‌های انقلابی مارکسیست‌لنینیست در اروپا در حال متحد شدن و ایجاد احزاب مارکسیست‌لنینیستی نوین هستند. تعداد اعتصابات، تظاهرات کارگری و غیره در حال افزایش است.

**انور خوجه:** تمام این مبارزات انقلابی که در حال افزایش است، نشان‌دهندهٔ خشم امپریالیست‌ها و رویزیونیست‌ها است؛ زیرا هدف آن‌ها این بوده و هست که همه چیز را ساکت نگه دارند تا خیانت بر جهان مسلط شود. این مسئله به معنای همزیستی مسالمت‌آمیز رویزیونیستی است. هر جا که شعله‌های آتش و جنگ انقلابی مردم زبانه می‌کشد، می‌توانیم شاهد دخالت امپریالیست‌های آمریکایی و رویزیونیست‌های شوروی برای خاموش کردن این شعله‌ها باشیم. این نشان می‌دهد که آن‌ها خشمگین و ضعیف و در حال از دست دادن زمین هستند. در این وضعیت انقلابی که امروز در سراسر جهان شکل گرفته است، چین مائوتسه دون، نقش بزرگی ایفا می‌کند و از این رو است که مردم جهان چشم خود را به چین و قدرت بزرگ آن معطوف کرده‌اند و آرزو می‌کنند که هر روز تحت رهبری مائوتسه دون قوی‌تر شود.

**گارد‌های سرخ:** مردم آلبانی و حزب کار آلبانی مانند گوشت و استخوان با چین کبیر مائوتسه دون تا آخر عمر پیمان می‌بندند و هیچ نیرویی در این دنیا وجود نخواهد داشت که بتواند حتی ذره‌ای این دوستی بزرگ را تضعیف کند. اما چرا چنین دوستی صمیمانه‌ای میان ما وجود دارد؟

منشاء آن چیست؟ پاسخ این است که احزاب ما از مارکسیسم لنینیسم تغذیه می‌شوند و اهداف ما یکسان هستند: پیروزی کمونیسم در سراسر جهان. در مقابل این هدف والاتر، مانند گوشت و استخوان، شدیداً به یکدیگر وابسته هستیم. این دوستی در همه زمان‌ها و در همه عرصه‌های جامعه شکوفا می‌شود و خواهد شد.

**انور خوجه:** برای آلبانیایی‌ها عزیزترین رفقا و برادران، رفقا و رزمندگان مائوتسه دون هستند. در روزهایی که این‌جا بودید، همه جا نبض مردم، در میان جوانان و دانشجویان و در میان سربازان و ملوانان، نیروی این عشق خالصانه را در مزارع و در کوهستان، در میان کارگران و دهقانان حس کردید. اساس این دوستی ایدئولوژی مشترک بین ما، مارکسیسم لنینیسم است که هر دو حزب چین و آلبانی را هدایت می‌کند. به همین دلیل است که دوستی ما قوی و ناگسستی است. هر یک از پیروزی‌های ما نیز مال شماست و هر پیروزی شما نیز مال ما. ما در شرایط خوب و بد با هم دوست هستیم. همیشه روزهای خوبی برای مردم‌مان که تحت هدایت مارکسیسم لنینیسم هستند، وجود خواهد داشت. البته در جریان مسیر و در جریان مبارزه مشترک ما نیز مشکلاتی وجود خواهد داشت و این‌ها اجتناب‌ناپذیر است، زیرا بخشی از انقلاب است. مردم اما بر آن‌ها غلبه خواهند کرد. چنین است که انقلاب برای ما زیباتر به نظر می‌رسد.

**یائو وِن یوئان:** هیچ چیز قدیمی و مرتجعانه‌ای بدون جنگ و سرنگونی انقلابی حذف نمی‌شود؛ اما این برای رویزیونیست‌های شوروی عجیب به نظر می‌رسد. آن‌ها درک درستی ندارند که ما در این دوران چه فداکاری‌هایی می‌کنیم؛ زیرا روحیه انقلابی سال‌های لنین و استالین را منحنط کرده و از دست داده‌اند. آن‌ها متناسب با طبیعت بورژوازی خود، با وجود این که مردم عادی در رنج هستند، راحتی و چیزهایی مثل آن را فقط برای دسته خود می‌خواهند. آن‌ها انقلاب را دوست ندارند؛ زیرا این امر مستلزم حذف امتیازات خودشان خواهد بود.



**انور خوجه:** موضوع با ما مارکسیست‌لنینیست‌ها کاملاً متفاوت است. ما با جنگیدن و فداکاری برای مردم ساخته می‌شویم. ما - در واقع، نه فقط ما آلبانیایی‌ها، بلکه کل جهان - به چین بزرگ مائوتسه‌دون می‌نگریم و می‌بینیم که نه تنها مشعل درخشان ایدئولوژیک و سیاسی است؛ بلکه پشتیبان و حامی بزرگ اقتصادی و نظامی همهٔ مردم و انقلابیون است. اگر مردم چین به جای آن‌که چیزی را نزد خود نگه دارند، آن‌را به دوستان خود می‌دهند، از این رو است که احساس می‌کنند خودشان در حال انقلاب‌اند؛ آن‌ها با روحیهٔ والای اترناسیونالیستی تربیت شده‌اند. به همین دلیل است که مردم چین با هر آن‌چه که داشتند به آلبانیایی‌ها در زمان‌های سختی که رویزیونیست‌های مدرن محاصره‌شان کرده بودند کمک کردند و آن‌ها به کمک مردم آلبانی ادامه می‌دهند بی‌این‌که از چیزی دریغ کنند. آن‌ها آلبانیایی‌ها را قادر می‌سازند تا در همهٔ زمینه‌ای وارد عمل شوند. کمک‌هایی که توسط جمهوری خلق چین به مردم آلبانی ارائه داده شده، از نظر سیاسی، اقتصادی و نظامی بسیار قابل توجه بوده است. این کمک‌ها، اقتصاد و ارتش ما را تقویت کرده است. بدون کمک چین، ما امروز ارتش قوی مجهز به تمام ابزارهای لازم را نداشتیم، تا جایی که مردم ما از سوی سلطنت‌طلب‌های فاشیست یونانی و تیتوئی‌های یوگسلاوی یا فاشیست‌های ایتالیایی مرعوب می‌شدند. مردم و ارتش در کشور ما یکی هستند و همیشه آماده. دشمنان به‌خوبی می‌دانند که اگر آلبانی مورد حمله قرار گیرد، شکست خواهند خورد. فقط تصور کنید اگر چین توده‌ای نباشد چه اتفاقی می‌افتد! آن وقت برای امپریالیسم و رویزیونیست‌های خیانتکار یک فاجعهٔ تمام عیار خواهد بود! به خاطر همهٔ این‌ها، حزب کار آلبانی و مردم آلبانی عشق بزرگ و نامحدودی نسبت به مارکسیست‌لنینیست برجسته، مائوتسه‌دون دارند. او را نه تنها شما، بلکه همهٔ ما دوست داریم، و به همین دلیل است که برای رفیق مائو آرزوی زندگی بسیار بسیار طولانی داریم - باشد که او به اندازهٔ عمر کوه‌های آلبانی زنده بماند!

**گارد‌های سرخ:** ما هم مثل شما مشتاقیم. گارد‌های سرخ که نقش بسیار مهمی در انقلاب کبیر فرهنگی پرولتری ایفا می‌کنند، وظایف بزرگی در پیش رو دارند. شما باید همیشه،

همان‌طور که قبلاً تصمیم گرفته‌اید، سربازان وفادار مائوتسه‌دون بمانید. گاردهای سرخ باید در اتحادی پولادین با حزب، انقلاب را به پایان برسانند. آن‌ها باید اندیشه مائوتسه‌دون را در همه جهات درک و اجرا کنند: اقتصادی، سیاسی، ایدئولوژیک و نظامی.

**انور خوجه:** گاردهای سرخ؛ ما - به ویژه جوانانمان - شما را دوست داریم و تحسین می‌کنیم. وظیفه اصلی ما این است که این عشق را بیش از پیش تحت هدایت حزب کمونیست چین و رفیق مائوتسه‌دون تقویت کنیم. ما با مائوتسه‌دون در هم آمیخته‌ایم و خواهیم آمیخت و تلاش خواهیم کرد تا مردم او را بیشتر دوست داشته باشند، زیرا او چین را در لحظه‌ای سخت نجات داده است. نسل‌هایی که بعد از ما خواهند آمد از این بابت قدردان او خواهند بود. بیایید این نان تست را برای رفیق عزیزمان مائوتسه‌دون درست کنیم - با این امید که عمری به‌سان کوه‌های آلبانی داشته باشد! زنده باد حزب شکوهمند کمونیست چین، مردم کبیر چین و پیوند دوستی پولادین ما! زنده باد گارد سرخ مائوتسه‌دون!

**یائو ون یوئان:** رفیق انور عزیز! از مهمان‌نوازی صمیمانه و حمایت بزرگی که از انقلاب کبیر فرهنگی پرولتاری چین و گارد سرخ چین نشان دادید بسیار سپاسگزارم. از مهمان‌نوازی فوق‌العاده گرم و دوستانه‌ای که رفقای آلبانیایی، رفقای کمیته مرکزی جوانان و سایر رفقای حزب در همه جا به ما نشان دادند بسیار سپاسگزارم.

در سفری که به آلبانی داشتیم، از نزدیک شاهد اشتیاق و عزم بالای مردم و جوانان آلبانیایی در بنا نهادن سوسیالیسم و انقلابی‌گری در زندگی و کشور بودیم. شاهد بودیم که مردم آلبانی و جوانان آن، عشق زیادی به حزب کار آلبانی تحت رهبری شما دارند. شاهد این بودیم که آن‌ها عشق بزرگی به مردم چین، جوانان چینی و رفیق مائوتسه‌دون دارند. با عزیمت از کشور شما، مایلیم تأکید کنیم که این عشق و شور انقلابی مردم آلبانی و جوانان آلبانیایی را با خود می‌بریم - عشق بزرگی که آن‌ها به مردم چین، به جوانان چینی و رئیس مائوتسه‌دون دارند. تلاش خواهیم کرد تا این دوستی بزرگ مبارزاتی را که بین مردمان، احزاب و جوانان ما وجود دارد، به

نیرویی عظیم، مانند دیوار بزرگ چین، تبدیل کنیم. این دیوار برای دشمنان مشترکمان، امپریالیسم آمریکایی و رویزیونیسم مدرن، عبور ناپذیر است.

به محض بازگشت به چین، به انقلاب کبیر فرهنگی پرولتری خواهیم پیوست. این انقلاب که رهبر بزرگ ما، صدر مائو آن را آغازید و حالا آن را رهبری می‌کند، به پیروزی‌های بزرگی دست یافته است؛ اما باید به پایان برسد. بنابراین، ما از وظیفه تاریخی خود، آگاهیم.

در جریان انقلاب کبیر فرهنگی پرولتری، ما گروهی از افراد دارای مناصب عالی حزبی و دولتی را افشا کرده‌ایم که راه سرمایه‌داری و تجدیدنظرطلبی را در پیش گرفتند و کوشیدند رهبری حزب را به دست گیرند و بدین وسیله، روح آن را از حزب پرولتاریا تهی ساخته و سرمایه‌داری را در چین احیا کنند. ما قویاً علیه این عناصری که راه سرمایه‌داری را در پیش گرفتند، قیام کردیم تا از رهبری حزب کمونیست چین و خط مائوتسه‌دون دفاع کنیم، تا خط درست کمیته مرکزی به نمایندگی مائوتسه‌دون بتواند در همه زمین‌ها به کار خود ادامه دهد. به همین دلیل آن‌ها را له کردیم و روی زمین انداختیم تا دیگر قیام نکنند. همان‌طور که در بند شانزده‌گانه آخرین تصمیم پلنوم کمیته مرکزی حزب ما آمده است، ما انقلاب کبیر فرهنگی پرولتری را با قاطعیت در عرصه فرهنگ و سراسر روبنایی که با پایه اقتصادی سوسیالیسم مطابقت نداشته باشد ادامه خواهیم داد و ایدئولوژی‌های کهن را نابود خواهیم ساخت تا فرصتی برای ظهور رویزیونیسم مدرن باقی نماند و کشور سوسیالیستی ما هرگز تغییر رنگ ندهد.

مایلیم به شما، رفیق انور، دازیبائویی هدیه دهیم که بنا به تصمیم رفیق مائوتسه‌دون منتشر خواهد شد. این دازیبائو را بخش تربیت بدنی و ورزش هنگ لو سین [۹] در شانگ‌های ارائه کرده‌اند که در مورد بهبود سبک کار است. به‌علاوه این دازیبائو تأکید دارد که انقلاب کبیر فرهنگی پرولتری به دنبال بی‌احترامی به افراد خاصی که مواضع نادرست در پیش می‌گیرند و راه سرمایه‌داری را دنبال می‌کنند، نیست؛ هرچند که این افراد باید کاملاً به‌عنوان رویزیونیست

شناخته شوند. انقلاب فرهنگی به دنبال دگرگونی جهان بینی مردم است؛ می‌خواهد مظاهر ایدئولوژی بورژوازی و رویزیونیستی را از آگاهی مردم ریشه‌کن کند و مداوماً به گارد سرخ آموزش دهد.

هنوز اشتباهات زیادی در کار ما وجود دارد و ما باید مطالعه خود بر آثار صدر مائو را بهبود بخشیم و به دنبال راه‌هایی نو برای حرکت به جلو باشیم. بدون شک پیروز خواهیم شد زیرا مصمم هستیم تا به دیکتاتوری پرولتاریا و به انقلاب پرولتاری وفادار بمانیم. در زمان جنگ، در حین انجام این انقلاب، حتا مصمم‌تر خواهیم شد. ما درس‌های مانوتسه‌دون را با پیوند نزدیک آن‌ها به زندگی، مطالعه و اجرا و با قاطعیت با تمام اعمالی که علیه آن‌ها است مبارزه خواهیم کرد؛ به طوری که آرمان انقلاب پرولتری پیوسته در مسیر درست پیش برود تا پرچم مارکسیسم‌لنینیسم و اندیشه مانوتسه‌دون در تمام چین و سایر نقاط جهان پیروز اعلام شود.

گارد سرخ و جوانان چینی عشق بزرگ و صمیمانه‌ای نسبت به حزب کار آلبنانی، مردم آلبنانی و به جوانان آلبنایی که تحت رهبری شما، رفیق عزیز، هستند دارند. این عشق و دوستی بزرگ، از مبارزات مشترک انقلابی‌مان علیه امپریالیسم و رویزیونیسم متولد شد و رشد یافت. سفر ما به آلبنانی باعث تقویت بیش از پیش این احساس دوستی شد و ما این موضوع را به جوانان چینی و مردم چین منتقل خواهیم کرد.

در سفری که به آلبنانی داشتیم، نزدیک به مرز هم رفتیم؛ ۷۰ کیلومتر تا ایتالیا و ۲ کیلومتر تا یوگسلاوی. آلبنانی به لحاظ جغرافیایی از چهار طرف توسط امپریالیست‌ها و رویزیونیست‌ها محاصره شده است. ما اما بسیار تحت تأثیر عزم مردم آلبنانی برای دفاع از دیکتاتوری پرولتاریا و بنای سوسیالیسم قرار گرفتیم. این موضوع از اهمیت بالایی برخوردار است. ما متقاعد شده‌ایم که با حزب کار آلبنانی و رفیق انور، با این نیروی عظیم مردمی، جوانان و ارتش و با این اتحاد پولادین، اگر امپریالیست‌ها و بچه‌هایشان جرأت دست‌زدن به آلبنانی را داشته باشند، کل مردم آلبنانی به‌پا می‌خیزند، سلاح‌هایشان را به دست می‌گیرند و آن‌ها را از روی زمین محو

می‌کنند. گارد سرخ و جوانان آلبانیایی که در اتحاد نزدیک با یکدیگر ایستاده‌اند، با هم خواهند جنگید و با هم پیروز خواهند شد.

**انور خوجه:** بگذارید تلاش کنند! این زلزله‌ای بزرگ برای تمام دشمنان ما خواهد بود.

**یائو ون یونان:** به اهتزاز درآوریم پرچم مارکسیسم لنینیسم را برای آلبانی، قهرمان شکست ناپذیر.

من پیشنهاد می‌کنم که ما به شادی دوستی مبارزاتی بین حزب کمونیست چین، مردم و جوانان چین از یک سو، و حزب کار، مردم آلبانی و جوانان آلبانیایی از سوی دیگر، بنوشیم! به شادی رهبر عزیز مردم آلبانی انور خوجه! به شادی پیروزی‌های بزرگتر در بنا نهادن سوسیالیسم در آلبانی! به شادی پیروزی مارکسیسم لنینیسم در سراسر جهان!

**انور خوجه:** به سلامتی رفیق مائوتسه دون! به سلامتی رفیق لین بیانو! به سلامتی رفقای ما، ژو نلای، چن بودا، کانگ شنگ، جیانگ چینگ و دیگران! به سلامتی رفیق یائو ون یونان! به سلامتی شما رفقا!

زنده باد رفیق مائوتسه دون! زنده باشد به اندازه عمر کوه‌ها!

(گاردهای سرخ به‌پا می‌خیزند و دیوانه‌وار کف می‌زنند و به زبان آلبانیایی فریاد سر می‌دهند: «Miqësia - garancia!») [«دوستی مان تضمین است!»]



ما را در تلگرام دنبال کنید: @zanjarehh